

پلمپ آسانسورهای نایمن
در گلستان



۲

نهمین نمایشگاه قرآن و عترت
با رنگ و بوی خلاقیت



۲

چرا ترامپ برای جهان
خطر ناک است؟



۳

یادداشت اول

سخنی بارو حانیون

■ با مسوولیت سر دبیر

یکی از اموری که همواره همه متفکران به آن هشدار و انداز داده اند، لزوم توجه به وقت و درک اهمیت گذران عمر است، توجه به وقت و فرصت شاید یکی از ترجیح بندهای مشترک بین همه نحله های فکری توحیلی و غیر توحیلی است و از این جهت جایگاه ویژه ای دارد. اما مساله مورد نظر ما در این یادداشت اوقات خوش آرامش و مناجات و لحظات معنوی و روحانی است که به لطف ماه مبارک هر ساله متولد می شود و امکان ارتقای معنوی و روحی را برای انسانها فراهم می آورد. اینک سوال این است آیا روحانیون، اهالی اندیشه و خرد و همه کسانی که حرفی برای ارتقای جامعه امروز ایران دارند، می توانند از این فرصت خداداد در جهت ارتقای شهروندان بهره ببرند، آیا روحانیون و واعظان محترم در گلستان که اولین و اصلی ترین وظیفه آنها قطعاً هدایت شهروندان به راه پیامبر اکرم(ص) و خداوند متعال است، می توانند در این ماه مبارک کرسی بحث و گفت و گویی را بگسترانند تا نسل جوان دگر اندیش درکی دقیقتری از فضای معنوی رمضان بدست آورند؟ آیا می توانند فضایی را برای پاسخ به سوالات نسل امروز فراهم کنند؟ اگر نمی توانند پس چه کسی باید نسل امروز را با معارف اصیل اخلاقی و سنت های اصیل دینی آشنا کند؟ کدام بخش از جامعه مسوول چنین فرصت سوزیایی است؟ روحانیون باید از فرصت رمضان بهره ببرند و با حضور در جلسات بحث و گفت و گو در حوزه معارف الهی در مساجد و یا در مکانهای عمومی مسوولیت اصلی خود را به انجام برسانند؟ اگر نوجوان، جوان یا شهروندی سوالات فکری، مذهبی و اندیشه ای خود را از محضر اندیشمندان بدون لکت نپرسد باید به کدام نشانی برای دریافت پاسخ های خود مراجعه کند؟ شویرخانه باید اذعان کرد بخاطر فقر اندیشه ورزی در جامعه امروز، از اقبائوس معنویت و اخلاق جاری در معارف الهی تنها به مناسک آن بسنده شده است و مناسک را غایت فالج و رستگاری دانسته ایم و این باعث شده است تا بحث و گفت و گو در جهت ارتقا انسانها از زندگی ما رخت برینند. به این لحاظ باید گفت باید به کرسی های بحث امام جعفر صادق و امام باقر(ع) بازگردیم و با نسل امروز با گفت و گو و کلام وارد استلال شویم و الا نتیجه مانند خورشید صبحگاهان برای هر خرمنمندی آشکار است و شرط اولیه چنین روشی، بازگشت به آیین گفت و گو و آزادی اندیشه و حرمت داری نقد و منتقدان است و باور به اینکه ایمان منافی است که تنها در جامعه باز رشد می کند و به این خاطر برای رشد مومنان راهی جز پذیرش آزادی انسانها نداریم و رمضان از این منظر هم فرصتی است مغتنم برای گفت و شنود و ارتقای انسان. امید که خداوند متعال لطف خود را از ما دریغ نکند.



هیرکاتی
موزه ای که نفس می کشد
« ۸ »



ادبیات
« ۴ - ۶ »



بازگشت امنیت به خانه
مoralها
« ۲ »

پایان کشاورزی سنتی



نزدیکی استان گلستان به کشورهای آسیای میانه و اوراسیا از جمله مواردی است که می توان از اهداف توسعه کشت گلخانه ای در استان برشمرد

توسعه کشت گلخانه ای در استان برشمرد. در حال حاضر ۱۱۴ هکتار گلخانه در حال بهره برداری در استان گلستان وجود دارد. قریب به ۶۵ هکتار گلخانه در حال

فاطمه سراوانی- کشاورزی در استان گلستان سالهاست با بحران کمبود منابع آبی مواجه است و در چنین شرایطی، هر نوع تولید کشاورزی باید براساس بهره‌وری آب ارزیابی شود. این یعنی به ازای هر متر مکعب آب، چه میزان محصول در استان تولید می‌شود. می توان با قطعیت گفت که هیچ روش کشاورزی به اندازه کشت گلخانه‌ای بهره‌ور نیست. در کشت‌های فضای باز، به‌طور میانگین بین ۲ تا ۴ کیلوگرم محصول تولید می‌شود، اما این میزان در گلخانه‌ها به ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرم و حتی در سیستم‌های پیشرفته به ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلوگرم می‌رسد. علاوه بر افزایش تولید، کشاورزی گلخانه‌ای به کاهش مصرف سموم و کودهای شیمیایی و صرفه‌جویی قابل توجه در مصرف آب منجر می‌شود. دستیابی به تولید بالا در واحد سطح محصولات سبزی و صیفی، گل و گیاه زینتی نسبت به شرایط تولید در فضای باز، افزایش بهره‌وری مصرف آب تا ده برابر شرایط زراعی با توجه به وقوع خشکسالی و کم‌آبی در استان، ایجاد اشتغال در واحد سطح (۱۰ نفر به ازای هر هکتار گلخانه)، آلودسازی سطح کشت در دسترس برای تولید سایر محصولات، ایجاد ارزش

با تعطیلی کامل مخالفیم

وجود دارد که شامل هزار و ۱۰۰ کلاس درسی می‌شوند. این مدارس نیاز به ساخت و ساز دارند که در طی ۵ سال انجام خواهد شد. نظری درباره کشمکش بین دو دانش‌آموز مینودشتی در مهرماه که فوت یکی از طرفین را به همراه داشت، گفت: پرونده فوت یک دانش‌آموز پایه یازدهم مینودشتی بر اثر کشمکش در مدرسه به مصالحه طرفین ختم شد. وی همچنین درباره حادثه مرگبار دانش‌آموز مینودشتی بر اثر سقوط شاخه درخت اظهار داشت: طرفین این پرونده به رأی صادره اعتراض کردند. در حال حاضر این پرونده در مرحله تجدیدنظر قرار دارد. نظری در نهایت با اشاره به دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل گلستان گفت: تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در استان گلستان ۳۴ هزار و ۵۱۹ نفر است. در این میان ۳ هزار و ۷۹۹ نفر ترک تحصیل کرده و هزار و ۷۸۸ نفر از اتباع هستند. هرچند که من شخصا به این آمار انتقاد دارم. این آمار طی ۲۰ سال گذشته پالایش نشده است. یعنی برخی از این عزیزان استان گلستان را ترک کرده یا به رحمت خدا رفته‌اند. وی افزود: همچنین دانش‌آموزان متوسطه که در مدارس تحصیل نمی‌کنند، در واقع شافل هستند. من معتقدم اصطلاح «بازمانده از تحصیل» باید برای دانش‌آموزان ابتدایی لحاظ شود.

متأسفانه دامنه آموزش و پرورش نباید تا این اندازه گسترده می‌شد. وی ادامه داد: ۳۹۵ مدرسه یک‌نفره در کشور وجود دارد. این در حالی است که چنین چیزی در دنیا وجود ندارد. در گلستان نیز مدارس پنج‌نفره موجود است. تعداد بالای این قبیل مدارس در سطح کشور باعث می‌شود تا منابع آموزش و پرورش آنطور که باید کفایت نکند. در نظر بگیرد که کشوری مثل ژاپن با ۱۲۵ میلیون جمعیت، ۵۰ هزار مدرسه دارد. در حالی که ما با ۸۵ میلیون جمعیت، ۱۱۸ هزار مدرسه داریم و قیمت تمام‌شده هر کلاس درس ما، ۲۰۰ میلیون تومان است. نظری افزود: در طرح موسوم به «روستا مرکزی» مدارس کم‌جمعیت در یک روستای مرکزی تجمع می‌شوند و دانش‌آموزان به صورت رایگان از روستای خودشان به روستای مرکزی می‌روند. این طرح برای کاهش هزینه‌های آموزش و پرورش بسیار مناسب است. در حالی که معمولاً با مقاومت محلی و شهری روبه‌رو می‌شود. وی در مورد مدارس نایمن استان گفت: مجموعاً ۴۶۲ مدرسه شامل ۲ هزار و ۱۸۷ کلاس نایمن و نیازمند به تخریب و بازسازی در استان وجود دارد که باید طی فرایندی چندساله با مشارکت مردمی مورد رسیدگی قرار بگیرند. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان ادامه داد: همچنین ۴۹۴ مدرسه با تراکم بالای ۳۵ نفر در استان

غیرحضوری کردن مدارس دست من، استاندار یا مقام عالی وزارت نیست. مصلحت عمومی کشور است. وی ادامه داد: البته هیچ چیزی جای کتاب و معلم را نخواهد گرفت. این حرف به این معنا نیست که من فضای مجازی را قبول ندارم. دنیای امروز دنیای هوش مصنوعی و متاورس است. اما شرایط مادر حال حاضر کمی متفاوت با دنیاست. آن‌ها از ۲ دهه پیش به این سمت رفته‌اند و این نشان می‌دهد ما در مواردی کوتاهی داشتیم. نظری با اشاره به کمبود فضای آموزشی در استان اظهار داشت: در حال حاضر شاخص سرانه فضای آموزشی به طور استاندارد برای هر دانش‌آموز ۸،۳ متر مربع است. این شاخص در کشور به طور میانگین ۵،۸ متر مربع و در استان گلستان ۴،۶۹ متر مربع است. این یعنی شاخص سرانه فضای آموزشی گلستان ۱،۴ متر مربع کم‌تر از میانگین کشوری است. وی افزود: با در نظر گرفتن ۳۵۰ هزار دانش‌آموز مدارس دولتی استان، حدود ۶۰۰ هزار مترمربع نسبت به میانگین کشوری عقب‌افتادگی داریم. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان درباره بودجه این وزارتخانه در سال ۱۴۰۴ عنوان کرد: سهم وزارت آموزش و پرورش در بودجه عمومی دولت در سال ۱۴۰۴ معادل ۴۷۵ هزار میلیارد تومان است که بیش از ۹۵ درصد آن صرف حقوق و دستمزد کارمندان می‌شود.



مهران موفتی - مدیرکل آموزش و پرورش استان گلستان گفت: از همان روز اول با تعطیلی کامل مخالف بودیم. مگر می‌شود آموزش را تعطیل کرد؟ در ایام کرونا بستر شاد و رسانه‌ها به کمک ما آمده بودند. اما امروز نه آن پشتیبانی لازم را نداریم. حرف ما این است که آموزش در بستر شاد به صورت غیرحضوری انجام شود. قدرت‌اله نظری در نشست خبری با اصحاب رسانه عنوان کرد:

پلمب آسانسورهای نایمن در گلستان

بازرسی ۲۹۰ مورد هدف‌گذاری شده بود، اما با ریشلی ۱۱۵ درصدی، ۳۳۵ مورد را بررسی و گواهی استاندارد صادر کردیم. مزیدی تأکید کرد: مالکان این اماکن موظفند گواهی تأیید استاندارد را در معرض دید عموم قرار دهند. از ابتدای سال تاکنون، ۱۶ وسیله بازی پلمب، ۲۰ وسیله جمع‌آوری و یک وسیله نیز امحا شده است. وی در حوزه مصنوعات فلزی نیز از بررسی ۳۵ نمونه از بازار و کارگاه‌ها خبر داد و گفت: ۱۰ مورد از کارگاه‌های درون‌استانی به دلیل عیار پایین‌تر از حد استاندارد مردود شدند. وی با قاطعیت افزود: استانداردها نه ترمز است، نه مانع و نه مزاحم؛ بلکه ضامن ایمنی و سلامت مردم است و در این مسیر با هیچ‌کس تعارف نداریم. مزیدی از اجرای طرح یک‌ماهه کنترل بازار با عنوان «عبدانه و رمضان» از ۱۳ اسفند خبر داد و گفت: در این طرح، نظارت بر صحت عملکرد وسایل توزین و آزمون پیش‌بسته‌بندی تشدید می‌شود. وی همچنین به آزمون هزار و ۳۱۰ نازل سوخت مایع در گلستان اشاره کرد که همگی برحسب سبز تأیید دریافت کرده‌اند.



سرپرست استاندارد گلستان در ادامه به بازرسی تجهیزات شهریاری‌ها و پارک‌ها اشاره کرد و گفت: در برنامه ابلانگی،

سرپرست اداره کل استاندارد گلستان به مالکان، مدیران و هیات مدیره مجتمع‌های تجاری، عمومی، اداری، پزشکی، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های استان هشدار داد که آسانسورهای نایمن و غیراستاندارد آن اماکن پلمب خواهند شد. به گزارش روابط عمومی، داود مزیدی با تأکید بر اینکه «آسانسور وسیله‌ای برای آرامش است، نه مخاطره»، گفت: تأییدیه‌های آسانسور یک‌ساله است و بازرسی‌های ادواری باید هر سال انجام شود. در این مسیر با متخلفان هیچ‌گونه اغمازی نخواهیم داشت. مزیدی با اشاره به سوابق قاطعانه این اداره کل، یادآور شد: در گذشته نیز آسانسورهای ادارات دولتی، از جمله استانداری، را پلمب کردیم. وی از صدور ۱۰ هزار و ۴۱ گواهی استاندارد آسانسور در گلستان خبر داد و افزود: بیش از ۶۰ درصد این تأییدیه‌ها اولیه بوده و بازرسی ادواری دیگری نداشته‌اند. سرپرست اداره کل استاندارد گلستان به مردم توصیه کرد برای اطلاع از وضعیت ایمنی آسانسورها، کد ۱۰ رقمی داخل کابین را به شماره ۱۰۰۱۵۱۷ پیامک کنند تا از آخرین شرایط آن باخبر شوند.

دل نوشته

هرسال، شب اول ماه رمضان که میاد، ما به مهمان ناخوانده داریم. درست سر اذان، قبلنا، وقتی که صدای ربنای شجریان رو زیاد می‌کردم تا به گوش همسایه‌ها هم برسه میامد و حالا درست، سر الله اکبر اذان.... بوی چای هل دار و نان روغنی که می‌پیچد توی خونه، اون سر می‌رسه. بی تکلف ساده....

دیگه هرساله منتظرشم اما براش تهیه و تدارکی نمی‌بینم.

اون اولاً بهم می‌گفتن: می‌شه نیاد.... اما الان دیگه بسنده کردن به نگاه سرزنش آلودی و گاهی هم لبخندی. دیگه عادت کردن بهش. من نمی‌تونم بگم نیاد.. یعنی، روم همیشه‌آخه می‌دونین؟ اون برای دل من میاد.... همچنین صدای الله اکبر اذان که می‌پیچد تو خونه، میاد می‌شینم سر سفره.

گرم و نمکی.

راستش اونقدر بلوریه که میاد می‌شینم رو تخم چشمم. رو نرمی گونه هام. بعد من روزه ام رو با اون افطار می‌کنم با (اشک)

اون وقت، نونم رو می‌زنم تو کاسه ی حسرت. حسرت اونایی که جاشون سر سفره‌ها خالی شده و بعد لیوان شربت شیرین و تگری شوق رو سر می‌کشم تا بغضم رو قورت بدم. شوق اینکه که خدا اجازه داده تا دوباره رمضان رو ببینم. صدایش رو بشنوم و عطرش رو ببوم. می‌شه آگه شمام ازین مهمانهای ناخوانده دارید، از همسایه تون هم یادتون بیاد....

مصی قربانی

نهمین نمایشگاه قرآن و عترت با رنگ و بوی خلاقیت

فرا تر از وظایف اداری و با ایمانی قلبی، امکانات خود را برای برگزاری باشکوه این رویداد به کار گیرند. وی همچنین از حوزه هنری خواست با تخصص خود، جذابیت بصری و محتوایی نمایشگاه را دوچندان کند: هرچه جذاب‌تر باشد، بازدیدکننده بیشتر می‌شود و این خودش تبلیغ است. معاون استاندار گلستان با پیشنهاد اختصاص غرفه‌هایی به برادران اهل سنت در این نمایشگاه بر تقویت وحدت و همبستگی تأکید کرد و گفت: ایده‌های آن‌ها کیفیت نمایشگاه را بالا می‌برد و پیوند میان ما را محکم‌تر می‌کند. نهمین نمایشگاه قرآن و عترت گلستان قرار است در یک هفته از روزهای ماه مبارک رمضان، با برنامه‌هایی به‌روز و خلاقانه، فرهنگ قرآنی را به خانه‌ها و دل‌ها ببرد. از غرفه‌های جوان‌پسند گرفته تا فعالیت‌های شاد برای بچه‌ها، این رویداد می‌خواهد نشان دهد قرآن هنوز هم حرف اول را در زندگی ما می‌زند.



و عترت، فرصتی ناب برای این هدف است. حمیدی دستگاه‌های اجرایی، به‌ویژه شهرداری‌ها را دعوت کرد تا

سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری گلستان نوید برگزاری یک رویداد متفاوت را در قالب نمایشگاه قرآن و عترت داد و با تبریک فرارسیدن ماه پربرکت رمضان تأکید کرد: زبان هنر، کلیدی‌ترین ابزار برای رساندن پیام قرآن به دل‌ها، به‌ویژه نسل جوان است. به گزارش روابط عمومی، محمد حمیدی در جلسه هماهنگی برگزاری نهمین نمایشگاه قرآن و عترت این نمایشگاه را بستری طلایی برای پیوند هنر و معارف الهی دانست و اظهار کرد: از غرفه‌های شاد کودکان تا برنامه‌های جوان‌پسند، این رویداد قرار است خانواده‌محور باشد. حمیدی ادامه داد: در روزگاری که فضای مجازی و تبلیغات مسموم دشمنان حتی روایات را تحریف می‌کند، قرآن تنها مرجع قابل اعتماد است. معاون استاندار گلستان افزود: وقت آن است که با تکیه بر فرهنگ قرآنی، در برابر این هجوم بایستیم و نمایشگاه قرآن



چرا ترامپ برای جهان خطرناک است؟



حسین دوست محمدی

مسیری متفاوت از خیر اخلاقی را در پیش می‌گیرد. ماکس ویر (۱۹۲۰ - ۱۸۶۱) جامعه‌شناس شهیر آلمانی که متمایل به رهیافت آرمان‌گرایانه است اثری دارد به نام «سیاست به مثابه حرفه» که توسط دکتر احمد نقیب‌زاده تحت عنوان حرفه و رسالت سیاستمدار ترجمه و به زور طبع آراسته شده است. و بر در این رساله به رابطه اخلاق و سیاست می‌پردازد و با رویکردی پیشینی اخلاق را مقدم بر سیاست می‌داند. او طرفدار همپوشانی خیر سیاسی و خیر اخلاقی است لذا معتقد است به حکم اخلاق کسی که با جهان سیاست و پیچیدگیهای آن بیگانه است نباید وارد فعالیت در این عرصه شود. اگرچه در تاریخ معاصر، کشورهای توسعه‌یافته عموماً این اصل را در فضای سیاسی خود پذیرفته و اعمال کرده‌اند اما استثنائات بسیار برجسته‌ای نیز به چشم می‌خورند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. یکی از مثالهای بارز چنین مواردی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا است. ترامپ در سال ۱۹۴۶ متولد شده و در رشته اقتصاد تحصیل کرده است. او تا سال ۲۰۰۰ [یعنی تا ۵۴ سالگی] با عالم سیاست کاملاً بیگانه بود و تمرکز اصلی خود را بر حوزه کسب و کار قرار داده بود هرچند فعالیت او در این عرصه هم با اُفت و خیز بسیاری همراه بوده است اما در این سال به فعالیت‌های سیاسی علاقه‌مند شد و برای نخستین بار از سوی حزبی کمتر شناخته شده نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد ولی در میانه راه از رقابت کناره گرفت. از این سال ترامپ در حاشیه عالم سیاست ماندگار شد تا آنکه در سال ۲۰۱۶ از حاشیه خارج شد به متن سیاست پا گذاشت و نامش بین داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری مشاهده شد و شگفت آنکه در این رقابتها پیروز هم شد. جالب است بدانیم دونالد ترامپ تنها کسی است که بدون هرگونه سابقه تصدی مناصب سیاسی یا نظامی به ریاست جمهوری آمریکا برگزیده شده است. به تعبیر عامیانه او در عالم سیاست بیشتر به میهمانی ناخوانده می‌ماند تا به صاحبخانه‌ای اصیل و نجیب. واضح است که دونالد ترامپ یک سیاستمدار حرفه‌ای نیست و باری به هر جهت وارد این عرصه شده و سکان

رهبری کشور آمریکا را در دست گرفته است؛ کشوری که تحولات درونی آن بر جهتگیری جهانی در بسیاری از عرصه‌ها مؤثر است لذا حرفه‌ای نبودن او عامل بسیار خطرناکی است و پیامدهای جهانی دهشت‌انگیزی دارد. او «بیزینس من» است نه سیاستمدار. ترامپ یک نئوناسیونالیست است که تنها منطق اقتصاد و پول را می‌شناسد و با منطق و اتمسفر سیاست و روابط بین‌الملل ناآشناست لذا برای جبران نقص خود در عالم سیاست با اتخاذ رویکردی غیراخلاقی منطق اقتصاد نومحافظه‌کار را بر اتمسفر سیاست و روابط بین‌الملل تحمیل می‌کند. در منطق اقتصاد نومحافظه‌کار کسب سود حداکثری بدون توجه به پیامدهای آن بویژه اخلاق و عدالت اجتماعی هدف است اما در عالم سیاست دستیابی به سوداکثری مقید به قیودی است که تجربه زیسته و عقلانیت بشری پشتوانه آن است. برای اثبات غیرحرفه‌ای بودن ترامپ کافی است به مواضع شگفت‌انگیز او که در نخستین ماههای دور دوم ریاست جمهوری خود اتخاذ کرده است دقت کنیم. برخی از این دیدگاهها به راحتی می‌توانند آتش جنگهایی ناخواسته را در گوشه و کنار جهان شعله‌ور سازند: - کشور مستقل کانادا را به خاک آمریکا منضم می‌کنم و آن را به ایالت پنجاه و یکم آمریکا تبدیل می‌کنم!!!!!! - مالکیت کانال پاناما را به آمریکا برمی‌گردانم [شما بخوانید پاناما را اشغال می‌کنم]. - دانمارک باید!!! جزیره گرینلند را به ما بفروشد!!!!!! لازم است بدانیم وسعت این جزیره از وسعت ایران بیشتر است. - نام خلیج مکزیک را تغییر می‌دهم و آن را خلیج آمریکا نامگذاری می‌کنم!!!!!! - نوار غزه را می‌خرم!!!!!! و مردم آن را در کشورهای عربی همسایه پخش می‌کنم!!!!!! - در حالی که روسیه ۲۰ درصد خاک اوکراین را اشغال کرده می‌گوید زلنسکی مقصر جنگ است نه پوتین!!!!!! - اوکراین برای جبران کمکهای نظامی آمریکا باید معادن زیرزمینی خود را به ما واگذار کند!!!!!! - ایلان ماسک که تنها سابقه مدیریت در یک شرکت خصوصی دارد را به جان بوروکراسی عریض و طویل

آمریکا انداخته و هزاران مشکل بوجود آورده است. - زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین که تا پیش از پیروزی ترامپ متحد آمریکا بود را به کاخ سفید دعوت می‌کند اما برخلاف همه پرتوکلهای دیپلماتیک با او رفتار می‌کند و او را می‌رنجانند. این نمونه‌ها حاکی از آنند که یا ترامپ با مبادی و مبانی اخلاق، تاریخ، سیاست، روابط بین‌الملل، دیپلماسی، حقوق بین‌الملل، جغرافیای سیاسی، حقوق بشر و... بیگانه است [شما بخوانید بی‌سواد است] یا بنا دارد با نادیده گرفتن این تجربیات ارزشمند بشری پنجره جدیدی در عرصه نظام بین‌الملل بگشاید تا منظره دلخواه او از آمریکا بیشتر دیده شود. به نظر نگارنده عامل اول یعنی ناآگاهی ترامپ او را درگیر عامل دوم کرده لذا دال مرکزی رفتار کودکانه او چیزی جز غیرحرفه‌ای بودن او نیست لذا او بسیار خطرناک است. ترامپ همزمان برای صلح و ثبات جهانی، توسعه پایدار جهان، ادامه فعالیت نهادها و سازمانهای بین‌المللی و همگرایی بین‌المللی خطرناک است و شاید حتی برای منافع ملی آمریکا نیز در درازمدت خطرناک باشد. کمترین خطر ترامپ برای ایالات متحده آمریکا این است که جایگاه این ابرقدرت را در سلسله مراتب پرستیژ جهانی به شدت کاهش خواهد داد و بین این کشور و متحدان سنتی آن دیواری از بی‌اعتمادی خواهد کشید اما خطر عمده متوجه دولتها و ملت‌های کشورهای توسعه‌نیافته است که نمی‌دانند حرکت بعنی این میهمان ناخوانده جهان سیاست چیست؟ آیا او در کنار مردم تحولخواه خواهد ایستاد تا دموکراسی و مردمسالاری محقق شود یا جانب دولتهای اقتدارگرا را خواهد گرفت تا به منابع ارزشمند زیرزمینی این کشورها دست یابد؟ اگرچه پاسخگویی به این پرسش چندان آسان نیست اما با توجه به رویکردی که ترامپ در ماههای اخیر در پیش گرفته به نظر می‌رسد گزینه دوم محتمل تر باشد.

مدرس دانشگاه- پژوهشگر و دانشجوی دکتری علوم سیاسی

بازگشت امنیت به خانه مرال‌ها



این طرح نیز ۱۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال از محل اعتبارات دولتی تأمین شده است. وی تأکید کرد: اکنون ۹ مرال در این بخش از پارک زندگی می‌کنند و با اجرای این طرح، دیگر هیچ مشکلی برای زیست آنها وجود ندارد. رییس اداره جنگلکاری و پارک‌ها و ذخیره‌گاه‌های جنگلی منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان همچنین به موضوع تأمین خوراک مرال‌ها اشاره کرد و گفت: به دستور دادستان مرکز استان، مسوولیت تأمین خوراک این گوزن‌ها به

طبیعی و آبخیزداری گلستان، توضیح داد: نوسازی فنس‌های زیستگاه مرال‌ها به دلیل نبود ردیف اعتباری مشخص، سال‌ها یکی از چالش‌های اصلی ما بود اما با پیگیری مداوم و حمایت مسئولان استانی، موفق به جذب بودجه و اجرای این طرح شدیم. رسول مقسم افزود: نصب فنس‌های جدید به طول هزار و ۷۱ متر و ارتفاع چهار متر، از تابستان امسال آغاز شده و با این پروژه، مساحت زیستگاه مرال‌ها از ۲۰۵ هکتار به ۳۰۵ هکتار افزایش یافته است. هزینه

پارک جنگلی قرق، در مسیر جاده بین‌المللی تهران-مشهد و از توابع شهرستان گرگان، از حدود ۴۰ سال پیش با فنس‌کشی بخشی از محدوده خود، به‌عنوان اولین پناهگاه نگهداری گوزن‌های ایرانی، معروف به مرال، در کشور شناخته شد. حالا، با نوسازی فنس‌های زیستگاه این گونه ارزشمند، امنیت و آرامش به زندگی آن‌ها بازگشته است. به گزارش ایرنا، در سال‌های گذشته، فرسودگی فنس‌های قدیمی و فرار گاه‌به‌گاه مرال‌ها، یکی از نگرانی‌های اصلی کارشناسان و مسئولان اداره منابع طبیعی و آبخیزداری پارک جنگلی قرق بود. این پارک که حدود نیم قرن پیش با هدف حفظ و تکثیر نسل مرال‌ها تأسیس شد، در ابتدا میزبان ۶۰ رأس از این گونه کمیاب بود اما شیوع بیماری واگیردار «یون» که مخصوص نشخوارکنندگان است و انتقال اجباری تعدادی از مرال‌ها به مناطق دیگر مانند اصفهان، اردبیل و کردکوی، جمعیت این گوزن‌ها را به شدت کاهش داد. کاهش تعداد مرال‌ها در پارک جنگلی قرق، رسیدگی به زیرساخت‌های نگهداری این گونه ایرانی را با وقفه مواجه کرد. به‌روزرسانی امکانات به حاشیه رفت اما جنگلبانان این پارک با حداقل امکانات موجود و تکیه بر تجربه همکاران بازنشسته خود، از تعطیلی کامل این مرکز جلوگیری کردند. در سال‌های گذشته، چندین بار به‌ناچار بخشی از مرال‌ها به استان‌های دیگر منتقل شدند اما تعهد جنگلبانان و زیرساخت‌های حداقلی، تلاش برای بقای این گونه را زنده نگه داشت. رییس اداره جنگلکاری و پارک‌ها و ذخیره‌گاه‌های جنگلی منابع

سه دستگاه شهرداری قرق، اداره کل حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی گلستان واگذار شده است. به تازگی سیدمهدی مهبیایی معاون امور هماهنگی و عمرانی استانداری گلستان، به همراه حمید سلامتی، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان، از پایان پروژه نوسازی فنس‌کشی محدوده نگهداری مرال‌ها بازدید و بر لزوم حمایت بیشتر برای حفظ این گونه ارزشمند ایرانی تأکید داشتند. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های این پارک نه تنها به حفظ تنوع زیستی و اکوسیستم‌های جنگلی کمک می‌کند، بلکه ظرفیت جذب گردشگران و علاقه‌مندان به حیات‌وحش را دوچندان خواهد کرد. علاوه بر این، نگهداری مرال‌ها در پارک قرق می‌تواند در آینده به‌عنوان منبعی آموزشی و پژوهشی برای دانشجویان و محققان حوزه حیات‌وحش و محیط زیست مورد استفاده قرار گیرد. پارک جنگلی قرق که در محیط جلگه‌ای و در فاصله ۲۴ کیلومتری شهر گرگان قرار دارد، در سال ۱۳۴۸ توسط مرحوم حسین سعیدی آشتیانی، بنیان‌گذار پارک‌های جنگلی ایران، طراحی شد و عملیات احداث آن از سال ۱۳۵۰ آغاز گردید. این پارک اکنون با مساحتی بالغ بر ۶۵۰ هکتار، پوشیده از درختان انجیلی، ممرز، بلوط، نمدا، توسکای قشلاقی، افرا، خرمندی و آزاد است و پوشش درختچه‌ای و گیاهی آن نیز شبیه دیگر رویشگاه‌های جلگه‌ای ایران است. با این تحولات، پارک قرق نه تنها به حیات مرال‌ها جان دوباره بخشیده، بلکه آماده است تا نقش بزرگ‌تری در حفظ میراث طبیعی ایران ایفا کند.

شعر ایران

به بهانه ۱۶ اسفندماه درگذشت شاعر
ویژگی های فکری سروده های آیینی
احمد عزیزی



دکتر بلقیس سبحانی، گنبد کاووس

زندگی و آثار

احمد عزیزی متولد چهارم دی ماه ۱۳۳۷ در سرپل ذهاب کرمانشاه است. سرودن شعر را از سال های جوانی با مجله جوانان آغاز کرد. وی آثار شعر و نثر ادبی متعددی دارد؛ و مشهور است که در ساختن ترکیبات نو به شیوه شعری سبک هنلی عمل می کند. «احمد عزیزی را می توان یکی از جریان سازترین و تاثیرگذارترین شاعران سال های اخیر دانست. شاعری که با زبان نو و با طراوت خود توانست بسیاری از واژه ها و ترکیبات نامتعارف و نامتداول را وارد شعر کند. بسیاری از شاعران جوان و از راه رسیدن تلاش کردند با تقلید از او مثنوی بسرایند ولی هیچ کدام نتوانستند مثل عزیزی شوند یا حتی به او نزدیک شوند. احمد عزیزی در بیشتر قالب ها و فضاهای شعر فارسی طبع آزمایی کرده است. ولی اهم فعالیت ادبی او در زمینه سرودن مثنوی های مذهبی با رویکردی کاملاً نو و امروزی است. مثنوی های احمد عزیزی بیشتر در وزن مثنوی های مولانا (فاعلاتن فاعلاتن فاعلات) سروده شده اند و کمتر در وزن های دیگر طبع خود را آزموده است. احمد عزیزی را شاید بتوان یکی از پرکارترین و پرگوشتین شاعران معاصر دانست.» (بیابانکی، ۱۳۹۹: ۷۷) او در پانزدهم اسفندماه ۱۳۸۲ به دلیل کاهش سطح هوشیاری ناشی از تسنج، بیماری قلبی و کلیوی در بخش آی سی یو بیمارستان امام رضا کرمانشاه بستری شد و ۹ سال بعد در ۱۶ اسفندماه ۱۳۹۵ با دنیا وداع کرد. از او آثار متعددی به یادگار مانده است:

«ترجمه زخم»، مجموعه ای از شطحیات احمد عزیزی مشتمل بر سال آخر میلادی، زلزله اساطیری، کاج های ملکوت، فراق فلسفه، مزامیر باران، با شط مردم و کبک های کهن است. «خواب میخک»، که عنوان گزیده اشعار احمد عزیزی است که شامل ۲۵ سروده وی و گزیده ای از زیباترین مثنوی های او است. «خورشید از پشت خیزران» مجموعه مرثی که به واقعه کربلا اختصاص دارد. «رویای رؤیت» که با چند نثر ادبی آغاز می شود و چندین غزل و مثنوی او را شامل می شود. «یک لیوان شطح داغ» که شامل همه شطحیات احمد عزیزی است. دفترهای «ترانه های ایللیایی»، «شرجی آواز»، «طغیان ترانه»، «کفش های مکاشفه»، «ملکوت تکلم»، و مثنوی های او را در بر دارند.

ترانه های ایللیایی که در آن عزیزی، اشعارش را با بیان دغدغه های زندگی در روزگار امروز همراه کرده است حوزه تلامعی معانی در شعر او متأثر از فضل نمایی ها در حوزه اطلاعات عرفانی، ادبی، فلسفی و مذهبی است تا حدی که هنگام آفرینش فضای معنوی و صور خیال در شعرش، علاوه بر آیات و احادیث و اصطلاحات عرفانی و اسلامی و فلسفی و ادبی، نام شاعران و دانشمندان ایرانی و غربی و کتاب هایشان مؤثر بوده است. ترانه های ایللیایی از این جنس است. محتوای مثنوی شرجی آواز، عارفانه است. عزیزی در این اشعار از پیامبر اکرم (ص)، مکه و مدینه، حضرت علی و مناجات هایش با چاه، فتح خیبر، حضرت مسیح و حضرت مریم یاد می کند و اشعاری در مدح آن ها می سراید. «طغیان ترانه» که به همه مثنوی های عزیزی اختصاص دارد.

«قوس غزل»: این مجموعه شعر چنانکه از نامش پیداست، مشتمل بر ۲۴۰ غزل است و شامل همه غزل های وی است. «کفش های مکاشفه» که مجموعه ای از ۸۶ مثنوی احمد عزیزی است که در یک مجلد گرد آوری شده است. «ملکوت تکلم» که مجموعه چهار مثنوی ملکوت تکلم، سرزمین سرمه، طغیان ترانه، گوشه بیداد و مجموعه غزلیات از آثار احمد عزیزی است. مجموعه اشعار نو و نیمایی و سپید احمد عزیزی در دفتر «ناودان الماس» گرد آمده است. احمد عزیزی را بی شک می توان پایه گذار شیوه ادبی شطح نویسی در تاریخ معاصر ایران دانست. گونه ای از نثر دارد که بسیار از نثر ادبی چه از حیث محتوا و چه از حیث زبان غنی تر است. در این گونه شعری، عزیزی تمام جملاتش را با استعاره و توصیف و تشبیه آذین بسته و به سختی می توان جمله ای ساده را در این ابیات یافت.

برخی ویژگی های فکری شعر عزیزی

نگرش سنتی در قالبی نو

عزیزی، شاعری است که از نظر فکری و درونمایه های شعر آیینی بسیار وامدار سنت فکری گذشته شعر آیینی فارسی است و همان تفکرات و باورها را در جامه ای دیگر که گاه بسیار نوپدید و تصویری و گاه نیز کاملاً کلاسیک است، ارائه می کند. تفکری که احمد عزیزی در برخی سروده های آیینی اش ارائه می دهد، بیش از آنکه تفکر حقیقی شیعه و باورهای ناب آن باشد، تبلور فرهنگ عامه شیعیان است. تفکری که در نظر اهالی فکر و علمای شیعه، چندان ارجی ندارد و گاه مورد سرزنش نیز هست. برخی از این نگرش ها بدین قرار است:

الف- دادن مقام شاهی به اولیا:

بر طبق سنت گذشته شعر فارسی که در دوره صفویه رایج بود و ائمه اطهار را با عنوان و لقب شاه ملج می گفتند، عزیزی نیز به همان راه رفته است: تو آن پادشاهی که زلفت زرت که نرگس تو را مهربان مادر است (عزیزی، ۱۳۸۰: ۳۴) بر عاشقانت باز کن درهای بسته دام قسم شاهها به پهلوئی شکسته (همان: ۴۴) حسین شاهی ست گردون پُر پُر فر او شهیدان دو عالم لشکر او (همان، ۱۳۸۱: ۲۰) ای که سیلی بر رخ من می زنی همین طیانچه بر شهنشه می زنی زانکه این شهلخت، خُخت شه بود این امانت از رسول الله بود (همان، ۱۳۸۲: ۵۵) احمد عاشق بگوی ملج ابالفصل شاه کز اثر طبع نوست رونق بازار من عازم کرب و بلاست بهر تو عباس شاه طبع شکرریز من، کلک شکر بار من (همان، ۱۳۸۲: ۲۹۴) استعمال این لقب برای پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار به فراوانی در شعرهای آیینی عزیزی دیده می شود. این شیوه و تفکر با آنچه ائمه اطهار سفارش کرده اند، تفاوت بسیار دارد و بر ضد آن است. پیامبر اکرم (ص) خود می فرمایند:

«منفوترین واژه ها نزد خدا، نام پادشاه است که کسی را به آن بنامند» (تجلیل تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۴۲) امام صادق (ع) نیز در حدیثی می فرمایند: «ما را با اسما و کنیه های خودمان صدا کنی؛ اهل بیت، سلطنت نداشتند؛ عبدالله بودند» (مجلسی، ۱۳۹۹: ۲۲۵) آوردن چنین صفاتی با توجه به این که خود پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار با آن مخالف بودند، نه تنها شایسته نیست بلکه نوعی اهانت به شأن آن بزرگواران محسوب می شود. «چنین اتفاقی در خوش بینانه ترین حالت، نوعی گرتبرداری ناشیانه و بی منطق از اشعار شاعران متقدم، همنوایی با شاعران دوره بازگشت، حرکت کردن در دایره تکرار و تقلید، و در نهایت نشانه عدم بلوغ ادبی، و ضعف و ناتوانی در عرصه خلاقیت و نوآوری است. آفتی جان فرسا و کشنده که بالندگی و زاینندگی را از باغ هزار درخت شعر آیینی ما می گیرد و آن را به رکود و رخوت دچار می سازد.» (اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۶)

ب- مدح تغزلی:

توجه بیش از اندازه به جمال پیامبر (ص) و ائمه اطهار و ذکر اوصاف جمالی و خط و خال و زلف آنان به شیوه شاعران تغزلی گذشته که در شعر آیینی آنان نیز مانند دیگر اشعارشان، این بُعد، برجسته بوده، در شعر عزیزی، یک شاخصه محسوب می شود:

ای رخ زیبای تو رشک پری
وی سر زلفین شما عنبری
سیم تن، چند ز پشت حجاب
بازگشایی سر زلف زری
در بر حُسنت سپر انداختیم
ای صف مژگان شما لشکری (عزیزی، ۱۳۸۰: ۳۷)
وصف این چنین رخ و زلف زری و تن سیمین و صف مژگان امام عصر (عج)، برآزنده مقام آن امام همام نمی نماید. به ویژه وصفی چنین: جامه خود را از شوق او بدر
جمکران می آید آن زیبا پسر (همان: ۳۸)
از این دست اوصاف و تصاویر در شعر آیینی عزیزی بسیار دیده می شود:
خال هندوش بت چین می نمود
آن شکر لب، بس که شیرین می نمود (همان: ۴۵)
در وصف امام حسین (ع):
جعد مشکین طره عنبرگشا دارد حسین
حُسن یکتا را ببین زلف دو تا دارد حسین (۱۳۸۱: ۲۱)

معصومه ای لیلای من عشق تو در دل می برم
سوی تو ای آرام جان! صد کاروان دل می برم
من عاشق شهر قَمَم، مدهوش عطر خانم
مجنون صحرای غم، سوی تو محمل می برم (عزیزی، ۱۳۸۲: ۳۲۶)

شاعر گویی، مقام امامان را به درستی درک نکرده است و بیش از آنکه به رسم و راه و بیانات آنان بپردازد، نوعی عشق و علاقه زمینی را در تغزل خود مانند آنچه که در تغزل مرسوم شاعران دیده می شود برای ائمه هدی به کار برده است.

پ- تکرار روایات ناروا:

زین العابدین بیمار و معجز از سر کشیدن حضرت زهرا (س) و گیسوپریشان کردن زینب (س) از شدت غصه بر شهادت حسین (ع) و ... روایات ناروایی است که از گذشته به اشعار آیینی راه یافته است. عزیزی نیز همین روه را ادامه داده و در شعر خود به بازتولید برخی از آن ها پرداخته است: هرچه زین العابدین بیمار بود زینب مسکین به شب بیدار بود (همان، ۱۳۸۲: ۱۴۲) می روی و زینب تو، زار توست مثل زین العابدین بیمار توست (همان، ۱۳۸۱: ۷۵) مسکین و زار خواندن زینبی که فرموده در واقعه عاشورا جز زیبایی ندید، دور احترام و دون شأن این بانوی صبور کربلاست. ای که رویت را فلک یک مو ندید خود که آخر چادرت از سر کشیدی؟ آئی زینب، جامه را در خون مزن سر برهنه از حرم بیرون مزن شمس از غیرت، نمی تابد به ماه

عصمت یاسین مرو بی پرده راه (همان، ۱۳۸۲: ۱۰۴) عزیزی نیز چونان ملحان که با قصد به جوش آوردن خون شیعیان و تحریک احساس حفظ ناموس، دست به انتشار این روایات نامستند می زند، تلاش می کند و حتی بر این موضوع تأکید بیش از اندازه دارد و در چندین بیت این موضوع را با توصیف، پی می گیرد: آه ای اسوه صبر و حجاب مویزشان، زی کجا داری شتاب؟ پیچ و تاب افتاده در عرش بلند ای گل گلزار طاه، رو ببند (همان: ۱۰۵) شایسته این است که چنین اتفاقی اگر هم افتاده باشد، از بازگویی آن برای حفظ شأن و احترام آن حضرت، خودداری گردد. در حالی که بسیاری از علما چنین اتفاقی را انکار می کنند و غیر مستند می خوانند.

ارادت به رسول اکرم (ص)

ارادت به پیامبر اسلام (ص) یکی از پر بسامدترین موضوعات با مضامین متنوع در شعر عزیزی است: یا محمد بر جهان اقدم تویی خاک عالم، طینت آدم تویی (همان، ۱۳۸۲: ۳۱) احمدا بر انبیا اعلم تویی فخر آدم، زینت عالم تویی ای که ابراهیم دران تو بود وی که اسماعیل قربان تو بود ای دلیل انبیا مقصود کل

هادی هم بر سبل هم بر رسل (همان: ۳۰)
خاک از شوق تو آمد در سُخن
زبده تکوین تویی ای ممتحن (همان: ۳۳)
ای امام انبیا ختم رسل
نفس عالم، جان گیتی، عقل کُل (همان: ۳۱)



ای که هست انبیا از هست توست

خاتم پیغمبران در دست توست (همان، ۱۳۸۰: ۴۹)
در همه ابیات بالا، دلیل خلقت جهان را رسول اکرم (ص) دانسته و پیامبران را زمینه ساز ظهور او پنداشته و از پیامبر اسلام (ص) به عنوان زبده تکوین، عقل کل، جان گیتی، امام انبیا و خاتم پیغمبران نام برده است.

ارادت به علی (ع) و غلو

عزیزی در شعر علوی خود، یک شیعه غالی است و آنچه را که برای رسول اکرم (ص) که دلیل خلقت جهان و مقصود آفرینش است بارها به علی (ع) نسبت می دهد. اگر در شیعه این اعتقاد وجود دارد که نماز بی ولایت پذیرفته نیست. او مقام امیرالمؤمنان (ع) را تا مرتبه ای بالا می برد که ولایت او را همسنگ با نماز می داند: من نماز روی من در روی تو من قبول طاعتم از سوی تو حق ز نور من جهان را آفرید

وز پی من انس و جان را آفرید (همان، ۱۳۸۲: ۶۳)
اورا بالاتر از تمام پیامبران و حتی پیامبر اسلام (ص) قرار می دهد: من همان سَرم که در پایان کار

بر محمد زانبیا شد آشکار (همان: ۶۸)

عزیزی، علی (ع) را نخستین کسی می داند که در هنگام نوزادی، رسالت را به پیامبر اسلام (ص) مژده داده است: کودکی بودم در آغوش رسول سر نهادم بر بناگوش رسول کی پسر عم، تو پیغمبر می شوی سید و سالار و سرور می شوی (همان: ۶۶) او، امیر المؤمنین (ع) را همراه و راهنمای همه پیامبران معرفی می کند:

من سلیمان را سلیمان کرده ام دیو را بر وی مسلمان کرده ام من همان شیشم که سوی هود رفت من همان شرحم که بر داوود رفت (همان: ۶۷)
همه انبیا را از یوسف و یونس و شیت و هود و داوود و دانیال و حزقیال و موسی و خضر و ... نام می برد و برای هر یک در مشکلات، علی (ع) را یاریگر می خواند: من به هر پیغمبری نازل شدم بر سر هر امتی خائل شدم (همان) آشکارا به آن حضرت مقام جبرئیل را بخشیده است: من همان دستم که در دیر و کشتت طشت عیسی پر نمودم از خورشفت (همان: ۶۴)

در غزلی هم می گوید:

موسی عمران بدید، طور طلب را به شب
کآتش عشق علی ست، خار بیابان عشق
مرده اگر زنده کرد، عیسی مریم بلدان
ذکر علی گفت و گشت، دیده حیران عشق
خضر اگر بی علی، وادی ظلمت برفت
چشمه حیوان نبود در ره انسان عشق (عزیزی، ۱۳۸۲: ۳۶)

ارادت به امام عصر (عج)

ارادت او به مهلی موعود (عج) ارادت صمیمی است و مضامین مختلفی را در بر می گیرد: درد دل و درخواست تعجیل در ظهور، عدالت گستری، انتقام و خونخواهی شیعیان، مهربانی امام، وضعیت جهان اسلام، نامه در چاه جمکران افکندن و... میندیش از دشمن بلند نهاد
ز نو کن جهان را پر از عدل و داد (همان، ۱۳۸۰: ۳۴)
وجه عدالت گستری امام را بیان کرده است.

هراتی، امام زمان را در همه جا می بیند و بر خلاف عزیزی که از جمکران می خواهد به جانب صحرا نظر کرده امام زمان (عج) - شاه خضرانشین - را خیر کند، او را در دسترس و در کنار مردمان عادی و حاضر در روزمره آنان می داند.

صمیمیت

ویژگی دیگر عزیزی در اشعار آیینی اش، صمیمیتی است که گاه موجب کاهش فخامت زبان شعری او می شود. او در درد دل با امام زمان (عج) عباراتی چنین را به کار برده است: می گذارد وعده اما بی خبر می رود کوی رقیبان دگر هر شب از کوی رقیبان حسود انتظارش می کشم اما چه سود؟ (عزیزی، ۱۳۸۰: ۳۶) دلبرا احم بگیرد دامنش بس کن این نامهربانی با منت (همان: ۶۴) مرا از حال خود جانا خبر کن ز آه شیعیان خود حذر کن (همان: ۶۱) بیا در کوچه، ای ارباب من باز سگ کوی توام، سنگی بز باز (همان: ۶۰) تصور ارتباطی چنین، رقیبان و حسادت و ... و تهدید امام (عج) به گرفتن آه شاعر دامن آن حضرت را و حذر دادن امام از آه شیعیان و از همه مهمتر سگیه سرایی در بطن شعر مهلوی، بسیار عجیب و دور از شأن بلند امام زمان (عج) است. استفاده از گروه تصاویری که مناسب مقام اولیا نیست، در مثنوی «سایه سارا» عزیزی به شکلی نامحترمانه رخ داده است، او در این مثنوی، طی ۱۴ بیت، اصطلاحات مربوط به بازی گنجف (ورق) را آورده است: گرچه بابا خاج علم و مدرک است از فدک هرچند سوری خورده است در ورق های خدا بی بی تک است در قمار عشق بی بی برده است (همان، ۱۳۸۲: ۵۳) استفاده از تشابه ورق بی بی با بی بی که فاطمه زهرا (س) بدان عنوان خوانده می شود و بازی با این تصویر و مراعات

مهلی بین روح شهیدان غرق ماتم جان های پاک عاشقان می سوزد از غم (همان: ۴۲) در جهانی که جان های عاشقان از غم می سوزد و حتی روح شهیدان غرق ماتم است، وجه امید به وجود امام را مطرح کرده است. آه از شیعیان و آهشان خود مگر مهلی بود خون خواهشان (همان: ۷۴) به وجه انتقام گیری امام، اشاره کرده است. چو او خود که بر تخت شاهی سزاست؟ که با نام او خصم حاجت رواست (همان، ۱۳۸۱: ۵۱) امامی که با وجود انتقام گیری، عدالت او به گونه ای است که حتی دشمن او در حکومتش، کامروا خواهد بود. به شاه دانستن و نامیدن امامان، در شعر عزیزی، پیش از این اشاره شد. یکی از مسائل دربار مهلی (عج) محل زندگی اوست. برخی با اتکا به روایاتی، مکانی به نام جزیره خضرا را محل زندگی آن امام معرفی می کنند. عده ای شادیدا به مخالفت با این نظریه پرداخته اند. عزیزی از امام (عج) با عنوان «شه خضرا نشین» نام می برد و بر این باور صحه می گذارد. الا ای عطر دین ما کجایی شه خضرا نشین ما کجایی (همان ۱۳۸۰: ۸۰) بر خلاف عزیزی، سلمان هراتی، سخت با این نظر مخالف است و آن را به سخره می گیرد: او همین جاست همین جا نه در خیال میهم جابلسا و نه در جزیره خضرا و نه در هیچ کجای دور از دست من او را می بینم هر سال عاشورا در مسجد بی سقف آبادی با برادرانم عزاداری می کند او را پشت غروب های روستا دیدم همراه مردان بیادار مردان مززع و کار (هراتی، ۱۳۷۶: ۱۵۸)

نیز با نگرشی عرفانی، چندگونه و رنگین و متنوع می داند: مرگ های زرد در سن صندان غالباً این مرگ ها در معبدند وقت اینجا فصل گل ریز است و بس موسم این مرگ پاییز است و بس (همان: ۸۹) او معتقد است که مرگ هر کس شبیه آرزوها و دریغ های اوست و به نوع زندگی اش مربوط است و اینکه مرگ همواره همراه ماست: همواره همراه ماست: مرگ ما همواره رنگ آه ماست مرگ ما چون سایه ای، همراه ماست (همان) نیایش های او نیز دیگرگونه است. با یکی از همین نیایش ها سخن را به پایان می بریم: بال آهم در عروچی باز کن در دلم راه خروچی باز کن خسته ام از شهر عادت، شهر عاد شهر بی افسانه بی شهر زاد در ده فطرت هوا آبی تر است برکه آیینه مهتابی تر است (همان: ۶۱)

نظیر سایر اصطلاحات این بازی با آن حضرت، سطح مبتذل به شعر آیینی عزیزی بخشیده است. با عباراتی چنین: بی بی صحرای محشر، بی بی است در قیامت آس آخر بی بی است (همان: ۵۴)

طبیعت گرایی دینی

عزیزی، شاعری طبیعت گراست. طبیعت با حضور همواره خود در شعرهای این شاعر، پیوندهای معنوی و قدسی ایجاد می کند. او در این راه، یادآور سهراب سپهری است. او چون عارفی، تسبیح موجودات در طبیعت را می شنود و می بیند: می شود هر نیمه شب در زیر بند یا مجیر جیرجیرک ها بلند (همان، ۱۳۸۲: ۱۲) جیرجیر جیرجیرک ها را خوانش دعای مجیر می پندارد و می شنود. اطلسی ها روح را جان می دهند رازقی ها بوی عرفان می دهند (همان: ۱۱) طبیعت و زیبایی آن، مظهر جمال الهی است و آیه هایی برای شناخت خداوند بزرگ و عزیزی در جای جای اشعارش، با به تصویر کشیدن این جمال، آیه های الهی را به مخاطب خود نشان می دهد.

عرفان و اندرز

عرفان و اندرز نیز در شعر آیینی او جایگاه خاص خود را دارد. نگرش عزیزی به زندگی و مرگ، ذات هستی، عبادت و ... نگاهی خاص است که در سوره هایش تبلور یافته است: زندگی یعنی؛ وزش در باغ برگ زندگی یعنی؛ زمینی پر تگرگ هرکجا رودی بروید، زندگی ست کیک هرجا پر بشوید، زندگی ست (همان: ۸۷) او زندگی را با تصاویری از طبیعت، چونان طبیعت، متنوع و با سختی و خوشی توأم تصور می کند و به مخاطب می قولاند که زندگی را همین گونه باید پذیرفت. مرگ را

منابع: اسماعیلی. رضا. (۱۴۰۰). شعر آیینی در دامچاله واژگان غیرتوحیدی. یکشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۰، شماره ۲۳۷۸۷. ص ۶ بیابانکی، سعید. (۱۳۸۹). سجده بر محراب. ج اول. تهران: امیرکبیر. تجلیل تبریزی، ابوطالب. (۱۳۹۱). المعجم المحاسن و المساوی. جلد اول. ج دوم. قم: الجماعه المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی. عزیزی، احمد. (۱۳۸۰). رویای رؤیت. ج اول. تهران: سروش. عزیزی، احمد. (۱۳۸۱). خورشید از پشت خیزران. ج اول. تهران: سروش. عزیزی، احمد. (۱۳۸۲). شبنم های شبانه. ج اول. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی اباصالح. عزیزی، احمد. (۱۳۹۰). کفش های مکاشفه. ج چهارم. تهران: انتشارات بین المللی هدی. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۹۹). بحارالانوار. جلد ۱. ج اول. قم: مخطوط. هراتی، سلمان. (۱۳۷۶). دری به خانه خورشید. ج دوم. تهران: سروش.

پدرم هم باشد

(دو)

سوغات آن پیاده رو
من بودم، اشک پدرم
هرم عطش دستان مادرم
اشکهای پدرم را صدا دار می کرد.
آهسته، خود را در خودم می شنیدم.

راز او در پژواک خنده اش پنهان است
بگذاریم بخندد

تا رازش را پیدا کنیم

خندیدم و خندیدم و خندیدم...

و با خنده به رودخانه گفتم:

با من بیا

تا از شرشده های دامنم

به برف نشسته بر شانه های پهن کوهستان برسی

به ماندگاری

به پاسداری

به مراقبت تا لحظه ی تشنگی زنی

که به اقیانوس فکر می کند و وقتی نام اش را صدا می زند

بیجای

: هان؟ کی بود که صدام زد!

صدای شلاپ افتادن ماهی روی اسکله را می شنوی!

صدای شکستن سطح آب از سنگینی شکم نهنگی

حامله!

چرا که او رازی می داند

که در پژواک خنده اش پنهان است...

دو شعر کوتاه

محمد مهدی اورسجی، گرگان



(یک)

کلام ابر می آید

پدرم را در باران ببینم

تو سبز شوی

من کنارت عکس یادگاری بگیرم و

دو شعر تازه از آسا قربانی، گرگان



(۱)

ببوسی ام...

جای انحنای لبخندم

آن گوشه

هزار شکوفه ی گیلاس می روید

صدایم بزنی...

جای بله می گویم: جیک جیک

جیک جیک

و با سینه ی سرخ ظریفم

بازوانت را جنگلی پر از پرند می کنم

و اگر

دلالت تنگ شود...

کش می آیم

کش می آیم و تبدیل به جاده ای برای آمدن

و آفتابی برای نشان راه می شوم

چون من زخم

زن،

قدیمی ترین جادوی جهانم من...

(۲)

در آغوش تو

خندیدم

سیکلمه های وحشی بیچ بیچ کردند که او

رازی می داند...

در آغوش ات دوباره

گریه می کردم

گل برف به خواهرانش نگاه کرد و گفت:

شعر گلستان

تکلم



حمید گلچوبی فر، گرگان

....و سخن بیابان بود

که چین می خورد

در تکلم ساده شن ها

بی آنکه سخنی گفته باشیم

جای پیمان

بوی گورهای تازه می دهد

بر منقار کرکسانی

که واژه را تا استخوان می بلعد...

... پیوسته حریر باد

بر آرامگاه شن

آب اشتباه تشنه ی آم بود

شکل تکلم کودکی

که از روی نیاز زبان می آموزد

و بی تفاوت از شن ها

همچنان بی رپا می ماند.



Spruce Pine



عاشقانه‌ای به رشتی تره دوست دارم



حسین طوافی

تره دوست دارم
اگر ستارائن فیوید جه آسمان،
دواره شب، خفابه ایجگره
تره دوست دارم

اگر همه‌ته آسمان ادرچکانا دودید
ستاره روسیاهی ره
نفس بی نفس بیه
اگر باهار هیچ کسا خانه‌ور نابه
تره دوست دارم

اگر تمامابه دونیا، پرستویانا باله مئن
آدمی دیل ده نلرزه ایتا زاگه ونگه ره
اگر مردوم اهرته جواب
فقط گلوله بیه
تره دوست دارم
تو می آزادی پرچمی

تره دوست دارم کیی هرته رنگ
تی نقشا مئن اویرابه
حتا اگر شواله سردابه
دریا خو گردونده مئن اسیرابه
حتا اگر کیی شاعران، ده هیچ تره غزل نیگید
بشر خو سرکلافه یا گوماکونه
دوسته بالا کبتران دیل جه گرخانه بترکه پاره‌پارابه
اگر کیی خصم دواره کوچه‌راه و کوگانا
هرچی چراغه بوکوشه
تره دوست دارم

تو می آزادی پرچمی

وقتی شب خو قامتا
دودابوسته آسمانه مئن چرخانه
وقتی آسمانا گُریکان
نی لبک زبید
آسمانا ورزا ره
ناقوسانا ایشتاوا
اوزه اویا باد
وقتی تی جانا مره گی سلام و
ول‌گیره خیال
تره دوست دارم
تو می آزادی پرچمی

تره دوست دارم
تو می ناجه حقیقتی
تو می جیجاکی رگ‌واوه صدا میان
می دیل حزینه روزانا خانی
تویی کیی هرته رنگ تی نقشا مئن اویرابه
تویی کیی خصم
عاقبت تی بازا واهیل‌بداشته زولفا مئن اسیرابه
تره دوست دارم
تو می آزادی پرچمی

ستاره سوبه‌سو بمرد
اله‌تی تی جوخوفته ابره پوشت
انمره جه توقایی بوسوخته دودابوست
روخان واخوشته آسمان کیودابوست
ولی تو شاعرانا شعره مئنی زنده‌یی
و شاعرانا زم‌بینیشته قلبانا بهاداری

تره دوست دارم
تو می آزادی پرچمی
تره دوست دارم
تو می ناجه حقیقتی

ترجمه:

تو را دوست دارم...
تو را دوست دارم
اگر ستارگان از آسمان سقوط کنند
شب به حرکت درآید
فریادها خاموش شوند
تو را دوست دارم
اگر تمام روزن‌های آسمان را مسدود کنند
تا ستارگان را از درخشش بازدارند
نفس از تا بیفتند

اگر بهار، به هیچ خانه‌ای سر نزنند
تورا دوست دارم

اگر دنیا در بال پرستوها به پایان برسد
اگر قلب آدمی دیگر
برای گریه‌ی هیچ کودکی نلرزد
اگر پاسخ مردمان تنها گلوله باشد
من تو را دوست دارم
[چراکه] تو پرچم آزادی منی

من تو را دوست دارم چرا که تمام رنگها
در نقش تو محو می‌شوند
حتی اگر شعله‌ها سرد شوند
دریا در گرداب خود اسیر شود
حتی اگر شاعران دیگر برای تو غزلی نسرایند
انسان هدفی نجوید
[حتی اگر] قلب کبوتران دریند
از هراس رعد هزارپاره شود
و دشمن، در کوی برزن قدم بگذارد
تا تمام چراغ‌ها را خاموش کند
من تو را دوست دارم
[چون] تو پرچم آزادی منی

وقتی شب
در آسمان سوخته
قامت می‌گستراند
وقتی دختران آسمان
برای وزرای آسمان نی لبک می‌زنند
وقتی باد آواره
هوشباش ناقوسها را با خود می‌آورد
آن دم که تو با روح خویش به من سلام می‌کنی
خیال شعله می‌کشد در من

تو را دوست دارم
چرا که تو حقیقت آرزوهای منی
تو در صدای زخمی رگ بریده‌ام
روزهای مغموم مرا آواز می‌خوانی
تویی که هرزنگی

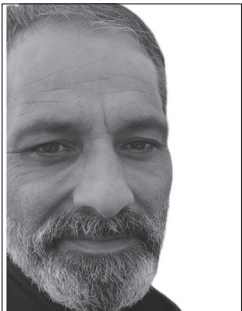
در نقش تو محو می‌شود
این تویی که دشمن عاقبت
در گیسوی رهای رقصان تو
اسیر می‌شود
تو را دوست دارم
چراکه تو پرچم آزادی منی

نور ستاره مرد
ماه پشت ابرها پنهان گشت
شقایق از عشق سوخت و خاکستر شد
رودخانه خشکید و آسمان سیاه گشت

اما تو
در شعر شاعران زنده‌ای
تو قلب فروزان شاعران را زنده می‌داری

تو را دوست دارم
تو پرچم آزادی منی
تو را دوست دارم
تو حقیقت آرزوهای منی

ببار ای عشق!



محمد حسین کرمانی، بندرگز

ببار ای عشق، عشق
که سر زمین وجودم
تشنه توست
ببار بر بالین خوابم
رویای با تو بودن را
تک سلول دنیا شدم
انفرادی مولکول‌های تنهایی
به دوش کشیدم
می‌ترسم...
تا تو بیایی
من در غربت خاک تجزیه دوست داشتن شوم
مشتی از من بگیر
بدان من خاک پای عشقم
به حرمت عشق
ببار از یادت
بر خاطرات
قامت بلند دوست داشتن
آنجا پنهان است
بخوان مرا
من سوره دل
نوشتم
بر درگاه نگاهت



هیرکانی موزه‌های که نفس می‌کشد

زیست گلستان، هم گفت: بخشی از هیرکانی ثبت شده در مناطق حفاظت شده جهان نما، زرین گل و پارک ملی گلستان قرار دارد. اصل ۵۰ قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست را وظیفه عمومی می‌داند. قدیر حسن زاده توضیح داد: ۱۰۰ هزار هکتار از هیرکانی گلستان در پارک ملی گلستان است اما جاده اصلی که از میانه آن می‌گذرد، تهدیدی جدی به شمار می‌رود. با وجود مکاتبات متعدد، وزارت راه اعتباری برای جابجایی جاده اختصاص نداد. وی از تخصیص اعتبار سالانه، تفاهم‌نامه با کانون پرورش فکری، و مطالعات دانشگاهی برای پیشگیری از آفات استقبال می‌کند، اما کمبود محیط‌بان (۱۲۰ نفر از ۳۳۰ پست سازمانی) را چالش می‌داند.

ارزش هیرکانی

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس هم گفت: ایران با ثبت آثاری چون هیرکانی، کشوری غنی در میراث جهانی است. این ثبت به حفاظت بهتر کمک می‌کند و نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر است. سیدمحسن حسینی مزایایی چون گردشگری پایدار، همکاری نهادها و مقابله با تخریب را برمی‌شمرد.

چرا هیرکانی مهم است؟

وی ادامه داد: موقعیت، بارش ۳۳۰ میلی‌متری سالانه، طول ۸۵۰ کیلومتری، قدمت ۵۰ میلیون ساله، و همجواری با بیابان قره‌قوم، هیرکانی را شگفت‌انگیز کرد. بارش ۲ هزار میلی‌متری در غرب و ۳۰۰ میلی‌متری در شرق، تنوع زیستی، فسیل‌های زنده، سرخدار، بلوط، زیست پلنگ پارسی و سمندر گرگانی، از معجزات آن است. حسینی وسعت هیرکانی را ۲ میلیون و ۵۰ هزار هکتار اعلام کرد که پنج هزار هکتار در آذربایجان و ۳۰۰ هکتار در گلستان است.

آینده هیرکانی

وی راهکارهایی چون جابجایی جاده پارک ملی گلستان، بودجه ملی، جلوگیری از تغییر کاربری، و فرهنگ‌سازی با پتل خورشیدی را پیشنهاد می‌دهد. ثبت جهانی هیرکانی، دوستی مردم با طبیعت و همت مدیران برای حفظ این فسیل زنده را تقویت کرده است.



و استفاده از رسانه و افراد تأثیرگذار، اهمیت هیرکانی به روستاییان منتقل شود. مسعودی ادامه داد: از درختان سرخدار سیاه‌رودبار برای جلب توجه مردم به حفاظت استفاده کردم. این طرح با جذب گردشگران و افزایش درآمد محلی، در حال اجراست. وی می‌پرسد: چرا جنگل‌بانان نمی‌توانند رهبر گردشگری باشند؟ تجربه نشان داد که هشت هزار گردشگر بدون قطع درخت یا تولید زباله، مسئولانه از این منطقه بازدید کردند.

رونق گردشگری با هیرکانی

مدیرکل میراث فرهنگی گلستان، گفت: حفاظت از هیرکانی نه تنها تنوع زیستی را حفظ می‌کند، بلکه گردشگری جوامع محلی را رونق می‌دهد. وظیفه ماست که از این ظرفیت برای ترویج و تولید ثروت بهره ببریم. فریدون فعالی از برنامه‌ریزی برای استفاده بهتر از هیرکانی در آینده و ثبت یک روستای گلستان در فهرست جهانی خبر داد و افزود: شش اثر گلستان، از جمله میل گنبد قابوس، جهانی شده‌اند. سرپرست حفاظت محیط

به موزه‌های طبیعی بدل کرده که فسیل‌های زنده گیاهان چند هزار ساله در آن نفس می‌کشند. در نشست هم‌اندیشی گرگان با حضور کارشناسان و انجمن‌های محیط زیست استان‌های شمالی، تأثیر این جنگل‌ها بر رونق جوامع محلی و گردشگری مسئولانه بررسی شد.

الگوی برای حفاظت

نماینده انجمن‌های محیط زیست گلستان و مازندران گفت: جنگل‌بانان و محیط‌بانان گلستان برای حفاظت از این عرصه‌های ارزشمند زحمت بسیاری می‌کشند، اما تخریب همچنان ادامه دارد و تلاش‌ها نتیجه مطلوب نمی‌دهد. فرهاد مسعودی افزود: پنج بار تخلف قطع درختان سرخدار را گزارش کردم اما ضوابط اداری پاسخگو نبود. برای همین، طرح حمایت از سرخدارها را در روستای سیاه‌رودبار علی‌آبادکنول با مشارکت مردم طی هفت سال اجرا کردم. وی تأکید کرد: حفاظت موفق، نیازمند همکاری مثلث جنگل‌بانان، محیط‌بانان و جوامع محلی است و پیشنهاد می‌دهد با نمادسازی

در گوشه‌ای از شمال ایران، جایی که نواری سبز رنگ در آغوش دریای خزر آرمیده، جنگل‌های هیرکانی همچون موزه‌های زنده و پویا خودنمایی می‌کنند. این‌جا نه دیوارهای سنگی دارد و نه ویتترین‌های غبارگرفته؛ اینجا طبیعت با هر نسیم و هر برگ، داستانی ۵۰ میلیون ساله را زمزمه می‌کند. به گزارش ایرنا، از فسیل‌های زنده‌ای که ریشه در اعماق تاریخ دارند تا درختان سرخداری که نگهبانان خاموش این سرزمین‌اند، هیرکانی بیش از یک جنگل است؛ یک اثر هنری جاودان است که نفس می‌کشد، می‌رود و با مردمانش پیوندی ابدی بسته. ثبت جهانی این گنجینه در یونسکو، نه تنها افتخاری برای ایران، بلکه دعوتی است به جهانیان تا در این موزه طبیعی قدم بزنند و شگفتی‌هایش را از نزدیک لمس کنند. بیش از شش سال از ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی در فهرست میراث جهانی یونسکو می‌گذرد؛ رویدادی که این اثر را به فرصتی بی‌نظیر برای معرفی طبیعت، فرهنگ و تمدن استان‌های ذی‌نفع ایران تبدیل کرده است. این گنجینه طبیعی، ظرفیتی است که باید با هوشمندی از آن بهره برد. به باور کارشناسان و مسئولان، ثبت جهانی هیرکانی می‌تواند فرصت‌های شغلی برای بومیان ایجاد کند، درآمد آن‌ها را افزایش دهد، منافع اقتصادی مستقیم و مکمل برای جوامع محلی به همراه داشته باشد، مشارکت بومیان را در تصمیم‌گیری‌ها تقویت کند و توانمندی‌های استان‌های برخوردار از این جنگل‌ها را به نمایش بگذارد. این جنگل‌ها، مانند نواری سبز در جنوب دریای خزر، با درختان مترکم خود، یکی از غنی‌ترین ذخایر آبی جهان به شمار می‌روند و همچون سدی طبیعی، از جاری شدن سیل در شمال ایران جلوگیری می‌کنند. نام «هیرکانی» از «هیرکان»، گویش قدیمی «گرگان» گرفته شده؛ نامی که به استانی بزرگ در تاریخ شمال ایران و منطقه‌ای در جمهوری آذربایجان اشاره دارد. جنگل‌های هیرکانی، بخش وسیعی از شمال ایران و گوشه‌ای از جمهوری آذربایجان را در بر می‌گیرند. زمین‌شناسان با پژوهش بر خاک این منطقه، قدمت آن را به دوره سوم زمین‌شناسی، حدود ۵۰ میلیون سال پیش، نسبت می‌دهند. این دیرینگی، هیرکانی را

اولیه را به کادر مدرسه ارائه کردند، در کمترین زمان نیروی موتورلانس اورژانس برای انجام اقدامات لازم خود را به محل حادثه رساند و موفق شد که به تنهایی و بدون حضور هیچ نیروی متخصص دیگری و در عرض ۶ دقیقه نوجوان را دوباره به زندگی خود برگرداند. نحوه عملکرد این نیروی اورژانس گلستان در زمان تلاش برای احیای دانش‌آموز، پس از قرار گرفتن فیلم‌های دوربین مداربسته‌ی مدرسه در فضای مجازی با بازخورد مثبت، قدردانی و تشکر زیادی از سوی مردم همراه بوده است. جلال الدین یازرلو، کارشناس فوریت‌های پزشکی که ۳ سال سابقه فعالیت در بخش اورژانس گرگان را دارد به دلیل وخامت شرایط و ضرورت صرفه‌جویی در زمان، پس از دریافت گزارش به عنوان نیروی موتورلانس اورژانس راهی محل موردنظر شد. وی در تشریح این واقعه اظهار کرد: طبق صحبت‌های پرسنل مدرسه، در گزارش ابتدایی سقوط، ضربه به سر و سپس بیهوشی اعلام شد اما پس از سؤالات مکرر همکاران بنده از همراهم دانش‌آموز در خصوص علائم حیاتی او، در گزارش دوم گفته شد که بیمار دچار ایست قلبی

زندگی دوباره دانش آموز گرگانی از طریق تماس با اورژانس

نیروی موتورلانس اورژانس گلستان موفق شد یک تنه و پس از ۶ دقیقه تلاش بی‌وقفه، پسر دوازده ساله‌ای که در یکی از مدارس شهر گرگان دچار ایست قلبی و تنفسی شده بود را دوباره به زندگی بازگرداند که این عملکرد او در فضای مجازی با واکنش مثبت و قدردانی‌های فراوانی از سوی مردم همراه شد. به گزارش ایسنا، تماس اضطراری از مدرسه به مرکز ارتباطات اورژانس ۱۱۵ برقرار شد. در پاسخ سریع به این وضعیت، یک دستگاه موتورلانس و یک دستگاه آمبولانس از پایگاه شهری شماره یک گرگان با تیمی خبره و مجرب به محل اعزام شد. همزمان، پرستاران تریاژ تلفنی آموزش‌های ضروری برای انجام اقدامات

بیمارستان طالقانی پرداختند و پس از یک ساعت فعل و انفعالات، بیمار به بیمارستان پنج‌آذر و بخش آی سی یو منتقل شد و پس از ۴۸ ساعت به هوش آمده و راهی بخش شد. وی با توضیح اینکه طبق آزمایشات صورت گرفته علت این حادثه، مبتلا بودن بیمار به یک بیماری قلبی گزارش شد که خانواده و همراهم نوجوان از آن اطلاعی نداشتند اما اقدامات و هماهنگی‌های لازم با یکی از بیمارستان‌های مشهد مقدس انجام شد تا پس از ترخیص از ۵ آذر به بیمارستان مذکور منتقل و تدابیر لازم صورت گیرد، گفت: در حال حاضر با قرار گرفتن یک باتری در قلب نوجوان برای کمک به پمپاژ خون، او در شرایط عادی به سر می‌برد و به زودی قرار است تا دوباره تحصیل خود را از سر گیرد. یازرلو در خصوص فایده‌مند بودن اقدامات انجام شده توسط پرسنل مدرسه پیش از حضور او در محل حادثه گفت: مسئولان مدرسه طبق آموزش‌های همکاران اپراتور، ماساژ قلبی را بر روی دانش‌آموز انجام داده بودند اما به دلیل مبتدی بودن و عدم وجود آموزش و یادگیری از قبل، اعمال انجام شده از کیفیت لازم برخوردار نبوده و تفاوتی در حال بیمار ایجاد نکرده بود.